کانال تلگرام روزنامه را دنبال کنید:
@sharifdaily

با شماره پیامک ۱۰۰۰۶۶۱۶۶۰۰۶ و ایمیل مستقیم سردبیر پذیرای مطالب، پیشنهادات و انتقادات شما هستیم.
(sharifdailymanager@gmail.com)

هر شنبه و سه شنبه منتظرمان باشید

روزنامه

سال شانزدهم • دوره جدید • شماره ۷۳۸ • شنبه ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۶

فصل سوم رادیو شریف

هر هفته جمعه شب

کانال تلگرام رادیو را دنبال کنید:
@radiosharif

سرمقاله

حب الحسین یجمعنا

امین شریفی

وقتی قرار شد این متن را بنویسم، تصمیمم بیشتر این بود که این بار جای آن عقل کل نباشم که می‌رود آن بالا می‌نشیند و از آن بالا سعی می‌کند همه چیز را تحلیل کند و در دودوتاچهارتای خود بگنجاند. مثل همه زائران اربعین باشم که در یک سطح و با یک سمت و آن هم نسبت با سیدالشهدا (ع)، باهم راه می‌روند و باهم خاکی می‌شوند و باهم مریض می‌شوند و باهم و باهم و باهم... . می‌خواستم این‌بار محلول در این چند میلیون نفر باشم، بدون ذره‌ای خودبرتربینی که چند تست کنکور و دوسه‌تا مهندس گفتن باعث ایجاد آن شده است.

معجزه اربعین منظومه‌ایست از انسان‌هایی با تیپ‌های گوناگون، باورهای دینی مختلف، عقاید سیاسی متنوع و خلاصه هرگونه اختلافی که درمقابل جاذبه حسینی به‌اصطلاح کم می‌آورند و محلول درهم می‌شوند؛ از استاد و دانشجو و کارمند گرفته تا ایرانی و عراقی و اروپایی، تا مسلمان و مسیحی و ارمنی، تا باحجاب و بدحجاب و تا اصلاح‌طلب و اصولگرا.

این موضوع را که دقیقاً چه چیزی باعث می‌شود مرد کشاورزی زن و بچه‌اش را بیرون از خانه اسکان دهد تا چند زایر که هفت پشت به او غریبه هستند، راحت بتوانند خستگی پیاده به سمت کربلا رفتن را جبران کنند، هنوز دانشمندان مشخص نکرده‌اند. محققان هنوز نمی‌دانند چگونه می‌توان به کودکی دوسه‌ساله با لباس‌های خاکی و بدون حتی یک‌جفت دمپایی ساده یاد داد چندهفته از صبح تا شب از بازی بچگانه‌اش بزند و به زوار خدمت کند. از این دست سؤالات زیاد است. زیاد می‌توان از این سؤالاتی بپرسیم که هنوز برای آن جوابی ازجنس عقل زمینی خودمان نداریم. می‌دانیم که چیزی هست؛ اما همین که می‌خواهیم جواب دهیم، همه‌چیز از ذهنمان می‌رود. درست مثل زمانی که می‌خواهی راهی شوی و با خودت قرار می‌گذاری حتماً همه خواسته‌هایت را بگیری؛ ولی وقتی زیر قبه می‌روی، فراموش می‌کنی چه می‌خواستی که این همه راه آمدی! محو تماشا می‌شوی، محو این همه... .

کربلای اربعین از آن نادیدنی‌هاست که حتماً یک‌بار باید آن را دید و بعدش باید دید آیا کسی می‌تواند از آن دل ببرد؟ ۳۶۳ روز تا اربعین...

شب اربعین ۱۴۳۹
کربلای معلی

گزارشی از صحبت‌های استاد گلشنی درباره وضعیت دانشگاه و دانشجوها

ام‌المسائل دانشگاه ما غرور است

صفحه ۳

بررسی وضعیت اینترنت دانشگاه

لَنگ چندگیگ اضافی‌ام

صفحات ۴و۵

دوستان خاص زمین

هفته گذشته پوستری پر از سبزی و میوه در بُردهای دانشگاه خودنمایی می‌کرد که... صفحه ۲

ترجمه ناقص کار آفرینی

اواخر شب شنبه از در دانشگاه خارج می‌شدم که چشمم به تیتر روزنامه خورد: «علم یا استارت‌آپ؟»... صفحه ۶

او چندبعدی بود

سیزدهم آگوست مراسمی در یادبود مرحوم پروفسور میرزاخانی در دانشگاه هاروارد برگزار شد و... صفحه ۷

بشنو از نی

حسین علیزاده یکی از آهنگ‌سازان معروف ایرانی است که فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. گروه موسیقی شریف این بار سراغ آلبوم موسیقی «نی‌نوا» اثر حسین علیزاده رفته است و ارکستری که اکثرش را دانشجویان شریفی تشکیل می‌دهند، این آلبوم را با نی و ویلن و ویلن سل و ویلن آلتو بازنوازی خواهند کرد. کانون موسیقی دانشگاه سه‌شنبه ساعت ۱۷ در آمفی‌تئاتر مرکزی، میزبان بازدیدکنندگان خواهد بود. اگر به کانال کانون موسیقی @sharifmusicgroup سری بزنید، هم می‌توانید تیزر این کنسرت را پیدا کنید و هم نحوه ثبت‌نام را متوجه شوید. در حال حاضر این کنسرت فقط یک روز است؛ اما در صورت استقبال ممکن است دوباره تمدید شود.

مزایده

دانشگاه قصد دارد غرفه‌هایی را که در ادامه ذکر می‌شود، از طریق برگزاری مزایده عمومی به شرکت‌ها یا افراد واجد شرایط واگذار کند. بوفه خوابگاه احمدی روشن و طرشت ۲، اتوشویی خوابگاه طرشت ۳، آرایشگاه مردانه خوابگاه شهید وزوایی، فروش کیف و کفش، خدمات مسافرتی و سوپرمارکت در مرکز خدمات رفاهی دانشگاه، از جمله این غرفه‌ها هستند. متقاضیان می‌توانند برای دریافت اسناد شرکت در مزایده به مبلغ ۲۰ هزار تومان و بازدید از غرفه، تا فردا به دفتر مدیریت حقوقی و امور قراردادها واقع در طبقه دوم ساختمان اداری و مالی، به شماره تماس ۶۶۱۶۴۴۶۵ مراجعه کنند. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این مزایده به سایت دانشگاه، قسمت اطلاعیه‌ها مراجعه کنید.

گزارش رویداد آشنایی با گیاه‌خواری در دانشگاه

دوستان خاص زمین

گزارش
محمد فلاحی

هفته گذشته پوستری پر از سبزی و میوه در بُردهای دانشگاه خودنمایی می‌کرد که دعوت‌نامه‌ای بود از گروه دوستداران محیط‌زیست برای اهالی دانشگاه برای حضور در اولین جلسه حلقه گیاه‌خواران. گیاه‌خواری در ادبیات دانشجویی و حتی جامعه به شوخی استفاده می‌شود و خیلی‌ها در لحظه اول، زندگی‌ای عاری از گوشت و غذای گرم و پر از سبزی و میوه سرد را تصور می‌کنند. برخی هم می‌گویند که فقط آدم باید مریض باشد که خود را این‌قدر از لذت خوردن گوشت و لبنیات محروم کند. مگر می‌شود آدم استیک داغ و خوشمزه با سس قارچ را نخورد؟ مگر پیتزای بدون گوشت چرخ‌کرده را می‌توان از زندگی حذف کرد؟ مگر می‌توان در سفر به طرقبه و شاندیز شیشلیک نخورد؟ کیک شکلاتی پر از خامه هم اگر با من در اتاق تنها باشد، نفر سوم شیطان است! این سؤالات از ذهن ما می‌گذرد، بدون آنکه پای صحبت گیاه‌خواران نشسته باشیم و با کیفیت و اهداف این سبک زندگی آشنا شویم.

دوشنبه ۱۵ آبان گروه دوستداران محیط زیست دانشگاه، میزبان علاقه‌مندان آشنایی با سبک زندگی گیاه‌خواری بود. سخنران اول این رویداد، خانم هلیا نوید از انجمن «بشقاب سبز» بود. او پس از معرفی انجمن خود به‌عنوان انجمنی مردم‌نهاد، به فعالیت‌های حقیقی و مجازی آن، از جمله برگزاری سمپوزیوم صلح و سبک‌زندگی در سال گذشته اشاره کرد. از مهم‌ترین اهداف انجمن «بشقاب سبز» مقابله با بحران محیط‌زیست و بحران آب در ایران خوانده شد. دراین‌مورد آمارهایی ارائه شد که نقل آن‌ها می‌تواند روشنگر باشد. آن‌طور که مؤسس انجمن «بشقاب سبز» اشاره کرد، سهم صنعت دام‌پروری در تولید گازهای گلخانه‌ای ۱۸ درصد و بیشتر از سهم ۱۳ درصدی صنعت حمل‌ونقل در جهان است. طبق گفته خانم نوید، سبک‌زندگی گیاه‌خوارانه در مقابله با بحران‌های جنگل‌زدایی و خشک‌سالی نقش مهمی دارد و مهم‌تر از آن به سلامتی انسان‌ها کمک شایانی می‌کند. او همچنین به ابتکار انجمن «بشقاب سبز» در راه‌اندازی کمپین دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌های بدون گوشت اشاره کرد. رئیس انجمن «بشقاب سبز» به نقل از گزارشی از سازمان بهداشت جهانی، سه آسیب را در جهان در نتیجه مصرف گوشت برشمرد: اولی باکتری‌های مقاوم‌شده دربرابر آنتی‌بیوتیک‌ها، دومی بیماری‌های مزمن و سومی هم گرمایش جهانی. علت مقاوم‌شدن باکتری‌ها به آنتی‌بیوتیک‌ها مصرف بیش از حد این آنتی‌بیوتیک‌ها در غذای دام‌هاست. علت آن هم این است که دام‌پروری، صنعتی است که فقط به بهره‌وری و کمیت بیشتر فکر می‌کند و دام‌ها را در کمترین فضاهای ممکن با ازدحام بسیار و بعضاً نمور و کم‌نور نگهداری می‌کند. بنابراین برای آنکه از بیمارشدن دام‌ها در این وضعیت نامناسب جلوگیری کند، مقادیر زیادی آنتی‌بیوتیک به بدن آن‌ها وارد می‌کند که این داروها در چرخه مصرف گوشت، یا حتی ازطریق کود دامی وارد بدن انسان‌ها می‌شوند. همچنین وی از مؤسسه تعیین معیارهای سلامت دانشگاه واشنگتن نقل کرد که عامل ۳ میلیون مرگ را در سال ۲۰۱۵ در جهان، مصرف محصولات گوشتی فرآوری‌شده بوده است.

بعد از خانم نوید، آقای مسعودبیگی سخنرانی کوتاهی را ارائه کرد. او به گیاه‌خواری به‌عنوان سبکی از زندگی اشاره کرد و آن را از دیدگاه بالاتری با عنوان «صلح درونی» خواند. مسعودبیگی اذعان کرد که انسان لازم است به مرحله صلح درونی رسیده باشد تا بتواند سبک زندگی گیاه‌خواری را آغاز کند. او همچنین دو شخصیت را برای رسیدن به صلح درونی معرفی کرد. اولین شخصیت کارل گوستاو یونگ، روان‌پزشک و فیلسوف بزرگ سوئیسی بود و شخصیت دوم خانم دبی فورد. مسعودبیگی به حضار برای رسیدن به صلح درونی، رجوع به افکار و نوشته‌های یونگ و دبی فورد و کتاب او «نیمه تاریک وجود» را پیشنهاد کرد.

بعد از بیگی، آقای معین قهرمان‌نژاد از فعالان و نویسندگان حوزه گیاه‌خواری سخنرانی کرد. سخنرانی قهرمان‌نژاد حول موضوع «رژیم کامل خام‌گیاه‌خواری بدون نمک» بود. او برخی بیماری‌هایی را برشمرد که در انسان‌ها بروز می‌کند اما مشابه آن در حیوانات آزاد مشاهده نمی‌شود و این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که علت بروز بیماری در حیوانات محصورشده توسط انسان نیز تغییر رژیم غذایی آن‌هاست و از این زاویه به اهمیت تغذیه در سلامتی موجودات و انسان اشاره کرد.

- محمدامین سرخی با رأی شورای مرکزی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه شد. قبل از او سجاد نراقی عهده‌دار این مسئولیت بود.
- نمایش عمومی و نقد و بررسی فیلم سینمایی REC (۲۰۰۷) با حضور و سخنرانی پردیس عزیزی، فیلم‌ساز و منتقد، دوشنبه ساعت ۱۵:۳۰ در آمفی‌تئاتر مرکزی برگزار می‌شود. برای خرید بلیت به کانال تلگرامی @CinemaSUT مراجعه کنید.
- مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، دو کتاب جدید را در زمینه‌های فنی‌مهندسی با عناوین «مکانیک سیالات پیشرفته» و «آنالیز حقیقی» منتشر کرد.
- جمعی از دانشجویان دانشگاه با طراحی و ساخت نرم‌افزاری، سوپرمارکت‌های آنلاین «نخود مارکت» را در پیام‌رسان تلگرام راه‌اندازی کرده‌اند. این نرم‌افزار در قالب بات تلگرامی است و کاربران می‌توانند با انتخاب محله خود در آن، از سوپرمارکت‌هایی که در ناحیه آن‌هاست، کالای موردنیاز خود را خریداری کنند.
- به‌منظور گسترش همکاری‌های علمی‌وفنی وپژوهشی، تفاهم‌نامه همکاری بین دانشگاه و سازمان ملی استاندارد ایران، با حضور دکتر فتوحی رئیس دانشگاه و خانم پیروزبخت رئیس سازمان ملی استاندارد امضا شد.
- فروش در هر کسب‌وکاری، آن بخشی است که برای سازمان درآمدزایی می‌کند. «اردوگاه فروش» رویدادی دوروزه است که در آن دانشجویان اطلاعات جامعی را درباره واحد فروش یونیلیور، شرکت چندملیتی بریتانیایی هلندی، کسب می‌کنند. دانشجویان رشته‌های مهندسی صنایع و مدیریت و MBA گروه هدف اصلی این برنامه را تشکیل می‌دهند. برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام در این رویداد، به آدرس www.unilever4u.com مراجعه کنید.
- پس از پایان مرحله اول مسابقات قهرمانی والیبال دانشکده‌ها، تیم‌های عمران، صنایع، علم‌مواد، م. شیمی‌ونفت، کامپیوتر و مکانیک به مرحله دوم گروهی صعود کردند. سه تیم اول در گروه A و سه تیم دوم در گروه B باهم رقابت می‌کنند. مرحله دوم این مسابقات از دوشنبه آغاز می‌شود.

فارغ‌التحصیلان فعال شریف

مدتی است که انجمن فارغ‌التحصیلان فعالیت‌های خود را به‌طور درخور توجهی افزایش داده است؛ از گسترش فعالیت‌ها در حوزه ورزشی گرفته تا ورود خوبی که به فعالیت‌های فرهنگی داشته است. از برنامه‌های اخیر این گروه می‌توان به گردهمایی علاقه‌مندان به نجوم و جلسه کتاب‌خوانی اشاره کرد. دوشنبه این هفته انجمن فارغ‌التحصیلان نشستی را برگزار می‌کند با موضوع «فرهنگ عاشورایی و درس‌های عاشورا برای امروز ما» که با حضور دکتر علی مطهری، نماینده مجلس و عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشکده الهیات دانشگاه تهران همراه خواهد بود. برای شرکت در این سخنرانی تا آخر امروز مهلت ثبت‌نام دارید. برای آگاهی از چگونگی ثبت‌نام به @SharifAlumniAssociation مراجعه کنید.

آخرین انتصابات شریفی ۲

در ادامه انتصابات شریفی، مدیر جدید امور بین‌الملل دانشگاه و معاونان پژوهش و روابط بین‌الملل برخی از دانشکده‌ها معرفی شدند. رئیس دانشگاه، دکتر عبدالرضا سیم‌چی را در مقام مدیر جدید امور بین‌الملل دانشگاه معرفی کرد. وی همچنین در برخی از دانشکده‌ها معاونان پژوهش و روابط بین‌الملل را که معاونتی جدید در دانشکده‌هاست، به مدت دو سال منصوب کرد. دکتر حلالی در دانشکده مواد، دکتر جمالی در دانشکده شیمی، دکتر موسوی در دانشکده م. شیمی ونفت، دکتر خلج در دانشکده برق، دکتر استکانچی در دانشکده عمران، دکتر کریمی‌پور در دانشکده فیزیک، دکتر پورنکی در دانشکده ریاضی، دکتر نجات‌پیشکناری در دانشکده مکانیک و دکتر نجفی در دانشکده صنایع.

جایی برای پیرها نیست

شورای صنفی دانشجویان کشور در راستای قانون بودجه ۹۶ بیانیه‌ای داده است و در آن به سنجه جدید دولت برای بودجه‌دهی به نهادهای آموزشی اعتراض کرده است. در قانون بودجه ۹۶ به جای اینکه مبنای تخصیص بودجه، تعداد دانشجو باشد، تعداد دانشجو در سنوات مجاز تحصیلی است و در حوزه آموزش عمومی هم در بسیاری از برنامه‌ها سنجه دانش‌آموزان در گروه سنی ذی‌ربط مبناست. در قسمتی از بیانیه شورای صنفی آمده است: «هر دوی این سنجه‌ها، نشانگر روند کالایی شدن هر چه بیشتر آموزش عمومی و عالی است. در ایران که بنابر سرشماری‌های عمومی بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت بی‌سواد و بیش از ۱۸ میلیون نفر کم‌سواد هستند، چنین رویه‌هایی بسیار آسیب‌زا خواهد بود».

رایانش

احتمالاً ورودی‌های سال ۹۲ و ۹۳ دانشکده کامپیوتر باید نشریه «رایانش» را به خاطر داشته باشند؛ نشریه‌ای که صاحب امتیاز آن گروه علمی دانشکده کامپیوتر ssc است و اسفند ۹۲ تأسیس شد. «رایانش» در دو سال گذشته چاپ نشده و فعالیتش قطع شده بود. جدیداً بچه‌های ssc دوباره دست به کار شدند و قرار است «رایانش» مجدداً منتشر شود. اولین شماره آن نیز همین امروز چاپ می‌شود و در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. مطالب این نشریه مانند بسیاری دیگر از نشریات دانشکده‌ای، از حوزه علمی گرفته تا ادبی و فرهنگی و دانشجویی را پوشش می‌دهد. امیدواریم بازگشایندگان زود خسته نشوند و از پا ننشیند.

گزارشی از صحبت‌های استاد گلشنی درباره وضعیت دانشگاه و دانشجوها

ام‌المسائل دانشگاه ما غرور است

گزارش

فراز ملاجعفری

برغم چهارشنبه‌های خلوت دانشگاه و موضوع اربعین، هفته گذشته در نشست فلسفه و علم، جمعیت درخور ملاحظه‌ای پای حرف‌های استاد گلشنی نشستند. حرف‌هایی که انعکاس درددل بسیاری از اعضای دانشگاه در سطوح مختلف بود.

نشست با صحبت راجع به فلسفه وجودی علم و سیر تحولات آن در طول تاریخ شروع شد؛ از آغاز علم با هدف فهمیدن طبیعت در یونان باستان تا مکتب عشری و پیامدهای منفی قرآنی دانستن مطلق مسائل در آن. این مسیر منتهی به وضعیت کنونی علم و دانش در کشور و دانشگاه ما می‌شود که به نظر استاد اصلاً خوب نیست. به گفته استاد گلشنی در چند دهه اخیر، اخلاق، احترام، هویت ملی و رغبت به خدمت از میان دانشگاهیان به‌خصوص دانشگاه ما از میان رفته است. اگر از تمام دانش‌آموزان کشور بپرسیم دلیل درس خواندنشان چیست، اکثر آن‌ها درس را راهکار خروج از کشور می‌دانند. معیار سنجش معلم و دانش‌آموز نمره و کمیت بوده و کسی به نوع نگاه و تفکر افراد اهمیت نمی‌دهد. نباید فقط به آموزش علمی در افراد محدود شد، فرد در خلأ انسانی کار نخواهد کرد و با جامعه تعامل خواهد داشت.

به باور دکتر گلشنی همین می‌شود که ما در شروع انقلاب از کره جنوبی جلوتر بودیم و الان عقب‌تریم. تمام افراد در تمامی سطوح، خود را برتر از دیگران می‌بینند و طوری رفتار می‌کنند که انگار در همه زمینه‌ها تخصص دارند و با این جو وضعیت هرروز بدتر می‌شود.

خودمان را از دست ندهیم

بخش دیگری از صحبت‌های دکتر گلشنی راجع به ازدست‌دادن نیروها و افراد کشور بود. او با زدن مثال‌های پرشمار تفاوت‌های ما با کشورهای دیگر را تبیین کرد؛ مثال‌هایی از سفرش به چین و میهن‌دوستی درشرق دور تا هندی که دیگر جهان سوم نیست تا وضعیت جذب در کشورهای اروپایی و آمریکا. وی در این بخش گفت: «ما در کشور خودمان افراد را با بحث‌های بی‌دلیل راجع به داشتن مقاله یا موضوعات مادی رد کرده و ناخودآگاه آن‌ها را به سمت خروج از کشور هدایت می‌کنیم. ارزش‌گذاری براساس تعداد مقالات و ISI، توطئه دشمن است. این در حالی است که در کشورهای غربی همین افراد را به بهترین وجه حمایت کرده و از توانایی‌های آنان استفاده می‌کنند».

> نباید فقط به آموزش علمی در افراد محدود شد، فرد در خلأ انسانی کار نخواهد کرد و با جامعه تعامل خواهد داشت

به گفته دکتر گلشنی از سوی دیگر در چند سال اخیر هویت ملی از میان رفته است. دیگر کسی میل خدمت به کشور را ندارد و عرق میهنی هم وجود ندارد که بتوان بر آن تکیه کرد. این وضعیت باعث شده است افراد حتی در شرایط برابر، تمایل بیشتری به خروج از کشور داشته باشند. دانشی که می‌تواند در خود کشور استفاده شود، به آن طرف مرزها رفته، به تولید تکنولوژی منجر شده و همان تکنولوژی با هزینه زیادی به کشور وارد می‌شود. در حالی که می‌توانیم همین هزینه را در جهت حمایت از همان دانش اولیه بکنیم.

گلشنی در بخش دیگری از نشست به موضوعات دانشگاه نیز پرداخت. وجود پردیس‌ها و هتک حرمت استادان و دانشگاهی مثل شریف، وجود بی‌اخلاقی در محیط دانشگاه خصوصاً در چند سال اخیر و از همه مهم‌تر غرور بیجای افراد از نکات اصلی بحث بود. به باور او هر استاد جوان و حتی هر دانشجویی خود را دانای کل می‌پندارد و این خود از دلایل اصلی بی‌احترامی‌های کنونی است.

بخش دیگری از نشست به پرسش و پاسخ بین حاضران و استاد اختصاص داشت که جواب‌ها تقریباً همان سخنان قبل بودند. نشست حدود ساعت ۱۵:۳۰ تمام شد.

حل‌المسائل؟

با نگاهی به سمت‌ها و سبقه استاد، انتظار ارائه راه‌حل‌هایی نیز می‌رفت؛ اما در طول نشست صحبتی راجع به راهکارهایی برای اصلاح مشکلات نشد. مسلماً در چنین اوضاعی نگاه همه به ارگان‌های تأثیرگذار و تصمیم‌های آن‌هاست. ارگان‌هایی که استاد از اعضای قدیمی و مهم بعضی از آن‌ها مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که ریاست آخری را نیز برعهده دارند. وجود دغدغه حل مشکلات مذکور خوب و لازم است، ولی کافی نیست. اصلاح مسائلی از قبیل بی‌اخلاقی، بی‌حرمتی، خروج افراد توانمند از کشور، جذب ضعیف دانشگاه‌ها و معیارهای ارزش‌گذاری افراد، باید روزی از نقطه‌ای شروع شود و علی‌الاصول باید از بالا صورت گیرد.

البته این نگاه که همه برای اصلاح، چشم‌انتظار دیگران‌اند، بسیار غلط است و شاید خود یکی از مشکلات عمده کنونی باشد. اگر انتظارهای بی‌دلیل برای رسیدن کمک از جایی نامشخص را کنار گذاشته و تمام مدت وضعیت را با این کلیشه که «مسئولین باید کاری کنند» توجیه نکنیم، شاید بتوانیم آینده خوبی را برای دانشگاه و کشور ترسیم کنیم. بخشی از همین انتظارنداشتن‌های بی‌دلیل نیز در صحبت‌های استاد و سؤال و جواب‌ها انعکاس داده شد. امید می‌رود با گفته‌شدن حرف‌هایی این چنینی و درنتیجه اعمالی مطابق با آن‌ها وضعیت کنونی بهبود یابد.

نامه وارده

استاد راهنما چیست؟

روز اولی که وارد دانشگاه شدم، گفتند استاد راهنمای شما فلانی است. وقتی این را گفتند، کسی در آن اطراف نبود که بگوید این استاد گرامی وظیفه‌اش چیست. رفتم نزد او و در اولین برخورد، سلام و خوشامدگویی‌ای از سر تکلیف نثارم کرد و برگه‌ای را برایم امضا فرمود. دیگر با او تماسی نداشتم، تا اینکه اول ترم جدید می‌شد و او می‌بایستی برگه انتخاب واحدم را امضا می‌کرد. رابطه من با او به همین بازکردن مجوز ای‌دی‌یو و گاهی اوقات امضای برگه انتخاب‌واحد خلاصه می‌شد.

این ماجرا برای دوره لیسانس است. در ارشد اوضاع بدتر است. در مقطع ارشد مهم‌ترین وظیفه استاد راهنما، دادن مشاوره به دانشجو برای انتخاب زمینه و موضوع دقیق پایان‌نامه است؛ اما خیلی از استادان یک‌سری موضوع آماده دارند و بدون توجه به علایق و ویژگی‌های شخصیتی دانشجو، مسئله‌ای را به او معرفی و در برخی موارد تحمیل می‌کنند. موضوعاتی که بیشتر مقاله‌خیز هستند، تا کاربردی و استاد محترم بیشتر به فکر آخر کار برای خودش است که نامش نفر اول مقاله ثبت می‌شود. مشکل دیگر تعداد زیادی از استادان دانشگاه و به‌خصوص استاد راهنما این است که چندشغله هستند و در دانشگاه حضور لازم را ندارند؛ یعنی استاد برای درآمد بیشتر، وقت خود را با مشاوره به فلان شرکت و تدریس در دانشگاه‌های آزاد پر کرده است و نمی‌تواند در خدمت دانشجوی ارشد باشد.

یادمان نرود بعد از تعیین موضوع پایان‌نامه، نوبت به تعریف دقیق مسئله می‌رسد. در این دوره باید مسئله طوری تعیین شود که هماهنگ با امکانات دانشگاه، دارای نوآوری و همچنین متناسب با مهلت پروژه باشد. به همه این مشکلات اضافه کنید این را که استاد به‌ازای هر دانشجو مبلغی را دریافت می‌کند که این مبلغ چندین برابر بودجه‌ایست که دانشجو اجازه دارد برای پروژه‌اش خرج کند. پس زحمت را دانشجو کشیده است؛ اما نه‌تنها اجری را دریافت نکرده، بلکه معمولاً پول زیادی هم خرج کرده است. البته شنیده‌ام که این وضعیت بهتر شده است؛ نه به‌واسطه افزایش اعتبار برای دانشجو، بلکه با درنظرگرفتن تخفیف‌های جدید برای استادان در استفاده از برخی خدمات آزمایشگاهی.

خیلی از ما در زندگی آموزشی خود مرتکب اشتباه شده‌ایم که به نظر من استاد راهنما می‌توانست با مشورت خوبی جلوی آن‌ها را بگیرد. راستی، چرا در پایان هر نیم‌سال استادان دروس ارزیابی می‌شوند، اما در پایان مقطع، از ارزیابی استادان راهنما غافل می‌شویم؟

ص.م / فارغ التحصیل ارشد شریف

بررسی وضعیت اینترنت دانشگاه

لَنگ چندگیگ اضافی‌ام

اسم مرکز، مرکز محاسبات بود. چرا محاسبات بود و چرا عوض شد؟

چند سری عوض شد. مرکز محاسبات برمبنای کارکرد قدیم این مرکز بود. در زمان قدیم اصلاً بحث شبکه مطرح نبود. پردازش رایانه‌ای یا رایانش، اصل موضوع خدمت‌رسانی مرکز بود. برای همین به آن، مرکز محاسبات می‌گفتند. بعد شد مرکز محاسبات و خدمات ماشینی. اسمش تا پارسال فناوری اطلاعات و خدمات ماشینی بود که ما امسال در شورای فناوری اطلاعات تصویب کردیم که خدمات ماشینی موضوعیتی ندارد و اسم اینجا شد مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات.

اخیراً اینترنت دانشگاه دچار قطعی یا افت سرعت می‌شود. قضیه این قطعی‌ها چیست؟

ما خودمان ارائه‌دهنده اینترنت نیستیم. درواقع در کشور هیچ‌کسی نیست به‌جز زیرساخت و IPM، ما اینترنتمان را از این عزیزان می‌گیریم. بنابراین هروقت شبکه دیتای زیرساخت تحت‌تأثیر قرار بگیرد، ما و تمام کشور تحت‌تأثیر قرار می‌گیریم. به همین شکل IPM. یک بحث هم بحث ارتباطات بیرون دانشگاه ماست که یا توسط مخابرات تأمین شده یا از مسیرهای دیگر می‌تواند تحت‌الشعاع قرار بگیرد. البته در برخی موارد هم مشکلات شبکه، داخلی است. از خرابی تجهیزات تا مسائلی که حاشیه‌اش زیاد است، ولی اسمش را رخداد می‌گذاریم. در دو یا سه هفته گذشته چند رخداد داشتیم که نه فقط اینترنت بلکه سرویس‌رسانی در شبکه دانشگاه را تحت‌الشعاع قرار داده بودند. برخی سخت‌افزاری بود که تا جای ممکن حل شد و برخی دیگر نیز متأسفانه از عوامل انسانی نشئت می‌گرفت که سعی کردیم تا جایی که می‌شد اقدامات مقتضی را انجام دهیم.

شریف آی‌دی از چه زمانی به وجود آمد و دلیلش چه بود؟

من خودم اینجا ۷ سال دانشجو بودم. تا سال ۸۸ یا اوایل ۸۹. آن‌موقع چنین موضوعی نبود. خودم هم یک سال پیش که برگشتم ایران با این پدیده مواجه شدم، اما در مورد شریف آی‌دی، دوتا موضوع با هم قاطی می‌شود. یکی بحث احراز هویت و مشخص‌شدن دسترسی‌هاست. این در همه جای دنیا موجود است. به هر حال باید بدانیم شما چه کسی هستید که می‌خواهید از اینترنت ما استفاده کنید. حتی جاهایی که اینترنت رایگان هم ارائه می‌دهند، اکانت مهمان دارند که ظرفیت و کارکردش بسیار محدودتر از اکانت‌های دیگر است. درواقع این‌ها تبعات قانونی دارد. البته من تاریخچه دقیقش را نمی‌دانم، اما داستانی که من با دوسه‌تا نقل‌قول شنیدم، کلیتش این بود که یک‌سری مسائل امنیتی در سطح کشور یا حتی فراتر از آن پیش آمد که متأسفانه مراجع قانونی ریشه مشکل را تا دم در دانشگاه یا یکی از ساختمان‌ها دنبال کردند، اما نفهمیدند چه کسی در آن ساختمان حادثه‌آفرینی کرده است. مبحث دومی که احتمالاً بیشتر مورد نارضایتی مردم است، محدودیت‌های شریف‌آی‌دی است. اولاً این ربطی به شریف آی‌دی اعمال می‌شوند. این قسمت به‌علت محدودیت منابع ایجاد شد. بالاخره ما در ایران زندگی می‌کنیم و هزینه اینترنت و بودجه دانشگاه در این زمینه مشخص است. تازه شریف به‌نسبت دیگر دانشگاه‌ها خیلی سخاوتمندانه برخورد کرده و در طول این یک سال گذشته هم بودجه مصرفی‌اش را افزایش چشمگیری داده که من از وسعت نظر مدیریت دانشگاه و سایر عزیزان در شورای فناوری اطلاعات تشکر می‌کنم. ولی به‌هر حال ظرفیت را ۵برابر همین وضعیت موجود هم بکنیم، باز ظرفیت محدود است. اینترنت دانشگاه تقریباً ۸۲۰مگابیت‌برثانیه است. اگر فرض کنیم ۱۶هزار نفر کاربر اینترنت در شریف داریم، به هرنفر حدود ۵۱کیلوبیت‌برثانیه می‌رسد. اگر هیچ کنترلی روی مصرف مردم نداشته باشیم، سرانه به هیچ‌کسی هیچ چیزی نمی‌رسد. مضاف‌براینکه اگر فردی بخواهد سوءاستفاده بکند، امکان دارد از کسر بزرگی از پهنای باند دانشگاه استفاده بکند و به بقیه عزیزان همان ۵۰کیلوبیت هم نرسد! بنابراین ما مجبور بودیم محدودیت‌هایی تعریف کنیم که به همه برسد. همین هم شد که با افزایش ظرفیت، محدودیت‌های ما هم کم شد که ان‌شاءالله در آینده بهتر هم می‌شود.

پروژه‌ای مطرح شد که شریف آی‌دی را از حالت VPN دربیاورند و البته یک پوشش سراسری وای‌فای داشته باشیم. آن پروژه متوقف شد؟

متوقف نشد. در این پروژه متأسفانه چالش‌های فنی شدید داشتیم که به همین علت تا امروز محقق نشده است. یکی از مشکلات عمده ما این است که کاربر با یک سازوکار احراز هویت فعلی وصل می‌شود، ولی هنگامی که قطع می‌کند، قطع نمی‌شود؛ بنابراین باتوجه‌به اینکه امکان اتصال تنها سه دستگاه توسط هر فرد موجود است، بعد از سه‌بار افتادن این اتفاق، حتی نمی‌توانید وصل شوید و باید با میز خدمت تماس بگیرید تا مشکل را حل کند. این ایرادی است که اصلاً قابل قبول نیست. ما در حال تلاش بیشتر برای رفع این مشکل هستیم. راه‌حل ساده‌اش خرید تجهیزات گران‌قیمت برای دانشگاه است که در مقیاس چندمیلیارد تومان برای دانشگاه هزینه‌بردار است و ارزش افزوده قابل‌توجهی هم ندارد. قطعاً یکپارچه‌شدن، موضوع اصلی نیست. ما سعی می‌کنیم سازوکار ورود را یکپارچه بکنیم که ان‌شاءالله تا آخر امسال به نتیجه برسیم.

یوتیوب تا اوایل امسال باز بود و بعد بسته شد. این تصمیم دانشگاه بود؟

ما هیچ‌گونه اعمال فیلترینگی در دانشگاه نداریم و اصلاً ابزارش را هم نداریم. کل اینترنت ایران از دو مرجع می‌آید. زیرساخت که به کل کشور خدمات می‌دهد و IPM که به مراکز آموزشی سرویس می‌دهد. تا چندوقت پیش IPM به هردلیلی تصمیم گرفته بود یوتیوب برای مؤسسات آموزشی باز باشد. ولی به‌صورت کلی اواخر پارسال یا اوایل امسال بود که دسترسی به یوتیوب روی اینترنت IPM بسته شد. حالا اینکه چه تصمیمی گرفته شده، بنده اطلاعی ندارم.

یک سری سرویس در اترنت دانشگاه داریم، مثل شریف FTP یا اخیراً دیدئو که بدون شریف‌آی‌دی می‌توان استفاده کرد. دورنگاه شما برای استفاده از این فضا چیست؟

ما دوست داریم که حداکثر خدمات ممکن را در لایه شبکه داخلی دانشگاه انجام دهیم. چیزی که راحت‌تر و دم‌دست‌تر است، این است که سرویس‌هایی که مستقر در دانشگاه و بالاخص مرکز فناوری اطلاعات و مرکز داده هستند، دسترسی‌شان به روی دانشگاهیان باز باشد که هست. سرویس‌های دیگر یا باید نسخه‌ای از سرور و اطلاعاتشان را اینجا بگذارند، یا از طرق دیگر دسترسی را باز کنند. کاری که مسائلی فنی دارد که تاکنون محقق نشده ولی در دست بررسی داریم. برای افزودن به این سرویس‌ها مرکز هم خودش از تعدادی

خارج اوضاع چطوره؟

سری به فیس‌بوک زدیم و چند سؤال زیر را با دانش‌آموختگان شریفی خارج از کشور درخصوص اینترنت دانشگاهشان مطرح کردیم:

۱. سرعت اینترنت معمولاً برای شما چقدر است؟

۲. آیا محدودیت دانلود دارید؟

۳. چه محدودیتی در دسترسی به سایت‌های مختلف دارید؟

۴. آیا حساب کاربری ویژه‌ای دارید یا هر کس بخواهد می‌تواند از اینترنت دانشگاه استفاده کند؟

۵. آیا اینترنت در دانشگاه شما نقطه کور دارد؟

ملیکا
دانشگاه ایالتی آریزونا

۱. ۴۰ مگابیت بر ثانیه اگه اشتباه نکنم.
۲. نه.
۳. نداریم یا من بش برنخوردم.
۴. به ساله حساب کاربری داریم، قبلاً همگانی بود.
۵. تو ساختمونا نه، ولی توی همون فضای دانشگاه، زیاد که از ساختمونا دور باشیم اینترنت نداریم.

رامین
دانشگاه اُهایو

۱. سرعت دقیقش رو نمی‌دونم.
۲. محدودیت حجمی نداریم.
۳. محدودیتی تجربه نکردم.
۴. حساب کاربری داریم، ولی گزینه‌ای به اسم guest internet هم هست برای دیگران.
۵. تو محدوده دانشگاه نقطه کور ندیدم تا حالا. مثل هر جای دیگه‌ای سیستم‌های اینا هم شاید مختل بشه؛ یک‌بار برای تعمیرات این اتفاق افتاد که از قبل اطلاع دادن. یک‌بار هم غیرمنتظره اتفاق افتاد که بعدش عذرخواهی کردن.

احسان / دانشگاه KTH سوئد

۱. ۱۰۰ مگابیت در ثانیه
۲ و ۳. محدودیتی حجمی / دسترسی نداریم.
۴. حساب کاربری داریم، ولی یک‌سری کامپیوتر جاهای مختلف هم هست برای مهمان.
۵. نقطه کوری هم مشاهده نشده.

پدرام
دانشگاه مینسوتا

۱. Download~180 Mbps, Upload~300 Mbps
۲. محدودیت حجمی نداریم.
۳. تا جایی که اطلاع دارم محدودیتی نیست.
۴. برای دانشجوها یه نتوورک جدا هست که باید اکانت دانشجویی داشته باشی و برای مهمانان هم یه نتوورک مهمان که صرفاً یه اگریمنت‌ترم داره که باید اکسپت کنی.
۵. بله، معمولاً خیلی دور از ساختمونا یا طبقات زیرزمین نقاط کور هستند.

امیر
دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی

۱. ۳۰ مگابیت بر ثانیه
۲ و ۳ و ۵. نه
۴. بله، ولی امکان وصل‌شدن به‌عنوان Guest هم داره.

پرونده
محمد حسین هوائی

اگر تا به حال فرصت دیدن مرکز محاسبات قدیم را که اکنون با نام مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات شناخته می‌شود نداشته‌اید، حقیقتاً چیزهای زیادی را برای دیدن از دست داده‌اید.

موزه‌ای نُقلی که در فضای لابی مرکز به چشم می‌خورد و البته اتاق‌هایی تماماً شیشه‌ای که در هرکدام عده‌ای پشت کامپیوترهایشان سخت مشغول‌اند.

بیت‌به‌بیت اینترنتی که مصرف می‌کنید، از زیر همین‌جا می‌گذرد؛ هرچند آرامشش اجازه باورکردن را به شما نمی‌دهد. درخصوص آخرین وضعیت اینترنت دانشگاه با دکتر قره‌یاضی، معاون مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه به گفت‌وگو نشستیم.

از این استارت‌آپ‌ها حمایت می‌کند. ما تفاهم‌نامه‌ای با مرکز کارآفرینی داریم که سرویس‌هایی که مرتبط با خدمات مرکز باشد، بتوانند در سطح دانشگاه ازطریق مرکز سرویس دهند. درواقع وقتی آن طرف دوره‌شان تمام می‌شود، ما به‌صورت یک دوره حمایتی یک‌ساله یا شش‌ماهه که قابل تمدید هم است، به آن‌ها خدمت‌رسانی می‌کنیم که تشویق شوند. دیدئو هم از دل همین‌ها درآمد.

دورنگاه مرکز محاسبات به چه خدمات جدیدی است؟ آیا خدمات ابری و پردازش ابری جزء اهداف مرکز است؟

الان هدف مرکز تثبیت خدمات پایه‌ای است که اکنون ارائه می‌دهیم. اولاً بستر زیرساخت شبکه‌مان که خیلی کارها در این چندسال اخیر شده، ولی هنوز مقداری کار داریم. شاید مهم‌ترینش تجهیزات حیاتی اصلی شبکه دانشگاه باشد که تأمین اعتبار شده و در فرایند خرید است و بعد از آن به‌روزرسانی تجهیزات بعضی مراکز و دانشکده‌هاست. یکی هم بحث اینترنت است که در حال پیگیری است و قراردادش منعقد شده که پهنای باند را افزایش دهیم. بعد از آن خدماتی است که خود مرکز می‌دهد، مثل ایمیل که الان سرویس به‌نسبت پایداری است. خدمات مرکز داده هم ثبات خوبی دارد. مرکز، خدمات دیگری را هم ارائه می‌دهد، مثل خدمات HPC که خیلی خدمات شایسته‌ای در سطح کشور است، ولی خب اینجا دانشگاه شریف است. نیاز کاربران ما خیلی بیشتر است و این HPC همین الان تمام‌وقت در حال استفاده است. اخیراً با تأمین اعتباری که شده، قرار است ظرفیت پردازشی افزایش یابد، ولی این موضوع انتهاندارد. همین الان هم اگر همه از این سرویس مطلع باشند، صف انتظار چندبرابر می‌شود. خدمات ماشین مجازی‌مان هم اخیراً با سرمایه‌گذاری ای که انجام شد، جدید و به‌روزرسانی شد. بعد از آن در سطح همین خدمات ماشین‌های مجازی وارد خدمات ابری می‌شویم.

آیا آماری وجود دارد که ترافیک فعلی دانشگاه صرف چه چیزهایی می‌شود؟

در لحظه خیر. ما امکان مشاهده ترافیک عزیزان را داریم، ولی این کار را به‌هیچ‌وجه در حال حاضر انجام نمی‌دهیم مگر در مواردی که لازم باشد. مثل همین مواردی که منجر به قطعی شبکه شد. آن هم به دنبال این نیستیم که ببینیم چه کسی، کجا رفت. امکان چنین تحلیل‌هایی هست، ولی مسائل حریم خصوصی کاربران مطرح می‌شود و بنابراین ما در حال حاضر وارد این مسئله نشده‌ایم.

ممکن است دانشجویان در برقراری اتصال دچار مشکل شوند. اگر نتوانستند مشکل را حل کنند، چه راه‌حلی دارند؟

شما هر مشکلی دارید، به ما مراجعه کنید. ما هم سامانه تیکتینگ و هم میز خدمت داریم و بچه‌های فنی استقبال می‌کنند. در سامانه تیکتینگ می‌توانید برای مسائلتان تیکت بگذارید. همچنین می‌توانید به میز خدمت تلفن بزنید. آدرس وب‌سایت تیکتینگ، noc.sharif.edu است. حتی حضوری هم می‌توانید بیایید. خیلی موارد بوده که اصلاً مشکل فرد ربطی به ما نداشته است، مثلاً بلد نبودند گوشی‌شان را تنظیم کنند یا حتی مشکلی داشتند که می‌گفتند: «من گوشیم کرش می‌کنه!». ولی به‌هر حال ما تا جایی که توانستیم و وقت و سوادمان اجازه می‌داد، بررسی کردیم.

دانشگاه‌های دیگر مثل امیرکبیر یا مثلاً تهران یا شهیدبهشتی با اینکه جمعیت بیشتری دارند، وضعیت اینترنت متفاوتی دارند.

درمورد تهران که این گونه نیست. پهنای باند کل دانشگاه تهران حدود دوبرابر پهنای باند ماست که آن هم حقیقی نیست؛ ولی اگر حتی فرض کنیم حقیقی است، جمعیت دانشگاه تهران خیلی بیشتر از دوبرابر شریف است. سرانه‌شان کمتر از سرانه ماست. امیرکبیر را راستش اطلاع ندارم. یک‌سری از مشکلاتی که درمورد کندی اینترنت داریم، به عدوات شبکه و یک‌سری مسائل فنی برمی‌گردد، ولی آخرش به همان محاسبه‌ای برمی‌گردد که برایتان کردم. این محاسبه براساس تحلیل‌های آماری شکل می‌گیرد. مثلاً گاهی جایی است که شما می‌گویید کاربرهای من اصلاً اینترنت استفاده نمی‌کنند و اصلاً به آن‌ها سرویس نامحدود می‌دهم. ولی اینجا دانشگاه شریف است و همه خب استفاده می‌کنند. عزیزان دانشکده کامپیوتر هم که خودمان بودیم، خوب‌تر استفاده می‌کنند. اگر خدای ناکرده حفره‌ای باشد، راه درروبی باشد که بتوانند بدون این محدودیت‌ها به اینترنت دسترسی داشته باشند، بلافاصله بازی ۵۰ گیگابایتی ای را برای دانلود می‌گذارند! البته اشکالی ندارد. بالاخره خود من هم تا یک سال پیش دانشجو بودم، ولی خب بالاخره شما محدودیت خودت را هم دور زده باشی، دانشگاه دیگر راه درو ندارد. کل پهنای باند دانشگاه مشخص است. شما هر چقدر اضافه بگیرید، دارید از حق یک نفر دیگر می‌زنید. شاید اصلاح فرهنگ مصرفمان خیلی بیشتر به این مسئله کمک کند تا سرمایه‌گذاری‌های کلان چندمیلیاردی.

الان گروهی دارد پروژه‌ای به‌نام «مخزن سفر» را جلو می‌برد که مصرف اینترنت را تا حد خوبی کاهش می‌دهد. اگر خود دانشگاه این کار را انجام می‌داد، تا حدی بهتر نبود؟

چندتا مسئله وجود دارد. ما خودمان توانسته‌ایم تا حدی از فعالیت سفر در این مرکز حمایت کنیم، اما نگرانی‌هایی داریم. اول از همه بحث کپی‌رایت مطرح است. درست است که ما در ایران قانون کپی‌رایت نداریم، اما هم بحث اخلاقی‌اش مطرح است هم چالش‌هایی که می‌تواند به‌وجود بیاورد. ممکن است فردا روزی کنار فیلم‌های خارجی، چند فیلم ایرانی هم مطرح شود و آنجا کپی‌رایت می‌تواند وجود داشته باشد. بعد از آن بحث محتوای چندرسانه‌ای آن است که فیلترینگ و سانسور آن مطرح است. البته من فرصت نکرده‌ام ببینم، اما بالاخره عزیزان می‌گویند همه محتوا از کانال‌های درست فیلتر شده و ما هم قبول می‌کنیم و تا این لحظه هم گزارشی در این موضوع نداشته‌ایم. بنابراین ما این خطر را حس کردیم و به‌هیچ‌وجه به‌عنوان دانشگاه وارد این موضوع نمی‌شویم. مضاف‌براینکه اصلاً جایگاه دانشگاه این نیست. درست است که حقیقت فعلی دانشگاه ما این است که دانشجویان برای اهداف تفریحی خود از اینترنت استفاده می‌کنند و اشکالی هم ندارد. بالاخره تا جایی که ظرفیت‌های دانشگاه اجازه می‌دهد، استفاده بکنند. اما اینکه به‌عنوان دانشگاه وارد بازار مباحث تفریحی بشویم، اصلاً در جایگاه و شأن دانشگاه نیست.

وب‌سایت‌های متصل به دانشگاه مثل دانشکده‌ها بی‌نظم به نظر می‌رسند. درست است که وب‌سایت دانشکده‌ها یا صفحات شخصی افراد به‌عهده خودشان است، ولی مرکز محاسبات اینجا خدماتی به دانشکده‌ها می‌دهد؟

یکی از چالش‌هایی که در اینجا داریم این است که بودجه خیلی از خدماتی که در سطح دانشگاه می‌دهیم، از دانشگاه نمی‌آید، از آن دانشکده می‌آید؛ مثلاً همین بحث تجهیزات شبکه که بودجه سوییچ‌های ساختمان یا نقاط دسترسی را خود دانشکده باید بدهد. از نظر ما شایسته‌تر این بود که بودجه‌ای کلی برای این مسائل در دانشگاه درنظر گرفته می‌شد. منتهی قطعاً مباحث فنی و حقوقی هم پشت قضیه وجود دارد. همین بحث در موضوع سامانه‌های اطلاعاتی هم مطرح است. پورتال دانشگاه واسطی است بین دانشگاه و بقیه جاها. این هم مثل همان موضوع، تولیت واحدی ندارد. در حال حاضر در حال تدوین یک RFP هستیم، ولی پروژه دست روابط عمومی دانشگاه است و ما به‌عنوان ناظر حضور داریم. زیرمجموعه‌های دیگر دانشگاه نیز همان‌گونه که الان هم می‌توانند، امکان استفاده از تم پورتال اصلی را خواهند داشت. البته الان اجباری ندارند. این قدر قالب قدیمی است که کسی نمی‌تواند ایراد بگیرد که چرا از آن استفاده نکردید، چون ارزش افزوده‌ای ندارد.

خیلی از نقاط دسترسی سطح دانشگاه مثل دانشکده‌ها رمز دارند. قضیه این رمزها چیست؟

در حال حاضر ما تا فرد انتهایی، خدمت‌رسانی داریم، ولی دسترسی در خیلی از ساختمان‌ها تا دم در است. درواقع در دانشکده مدیریت و دانشکده برق و تا حدی هم دانشکده کامپیوتر ما دسترسی‌ای به سوییچ‌های درون دانشکده نداریم و دست خود مسئول آی‌تی دانشکده است. بنابراین هرکس اسمش را چیزی می‌گذارد. در شورای فناوری اطلاعات هم مباحثی برای متمرکزکردن این مسئله طرح شده که اگر مباحث فنی هم محقق شود، قطعاً تأکید خواهیم کرد که همه‌جا در قالبی یکپارچه خدمت‌رسانی کنند.

به عنوان صحبت پایانی نکته‌ای دارید؟

واقعاً عزیزان ما در این مرکز خیلی زحمت می‌کشند. البته همه در دانشگاه زحمت‌کش‌اند، اما شاید یکی از زحمت‌کش‌ترین‌ها این مرکز باشد. هستند عزیزانی که حدود ۱۲ ساعت هرروز اینجا کار می‌کنند و خدمت‌رسانی ما عملاً ۲۴ ساعته است. اگر اینترنت دانشگاه نیمه‌شب هم قطع شود، باید فردی بیاید و درستش کند. اما باوجود زحمات زیادی که بچه‌ها می‌کشند، کم‌وکاستی‌هایی هم هست و ممکن است مواردی هم از دست ما دررفته باشد. خواهش من این است که همه با ما تعامل داشته باشند. ما هم می‌دانیم در خیلی نقاط کم‌وکاستی هست و تا جای امکان برای رفعش تلاش می‌کنیم. خیلی از این‌ها به ما وابسته نیست و به دیگر نهادها و ارتباط آن‌ها با ما وابسته است. همه کسانی که مشکلی دارند، بیایند و با ما صحبت کنند که مطلع شویم و با تعامل مسئله را حل کنیم. ان‌شاءالله که دانشگاهی داشته باشیم که بتواند در حوزه آی‌تی همان‌طور که جایگاهش است و شایسته آن هم است، زبانزد خاص‌وعام شود.

جمع بندی

با تمام این تفاسیر، سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا وضعیت اینترنت دانشگاه مساعد است؟ احتمالاً پاسخ اکثر شما منفی است. قطعی‌های چندوقت اخیر و سرعت به نسبت کم و ترافیک ماهیانه بخورونمیر، بعید است جایی برای نگاه مثبت باقی بگذارد. آن هم در این روزهایی که هرکس با اینترنت دیتای موبایلش درصورت اتصال به شبکه نسل چهارم، با سرعتی بیش از ۳ برابر سرعت دانشگاه به اینترنت متصل می‌شود.

اگر پای حرف دل بسیاری از استادان بنشینید، آن‌ها نیز دل خوشی از سرعت و مسائل دیگر ندارند. اما کافی است اندکی فاصله بگیریم و از دور به ماجرا نگاه کنیم. با نگاهی کلان به وضعیت کشور و شبکه اینترنت در آن، به‌سادگی می‌توان فهمید که از نظر پهنای‌باند، جایگاه خوبی در دنیا نداریم؛ چنان‌که برغم گزارش هرساله دولت مبنی‌بر افزایش پهنای‌باند، کماکان در هیچ‌یک از رده‌بندی‌ها مشاهده نمی‌شویم.

بدیهی است که باتوجه‌به سازوکار زیرساخت‌های شبکه و محدودیت ارائه اینترنت توسط دو ارائه‌دهنده اصلی، شریف هم بخشی از همین نظام معیوب است. به‌عبارتی مشکلات وارد بر اینترنت دانشگاه، اگرچه تا حدودی و به‌مرور زمان امکان بهبودی دارند، ریشه‌ای عمیق‌تر از دانشگاه دارند. به‌هرترتیب با سیل افزایش مشترکان اینترنت و خدمات متنوع بر بستر آن و البته سیاست‌های دولت مبنی‌بر افزایش پهنای‌باند کشور و ضریب نفوذ اینترنت، می‌توان امیدوار بود روزبه‌روز شاهد بهبود وضعیت اینترنت، هرچند با شیب ملایم باشیم.

منیره
دانشگاه تنسی

۱. کلاً سرعت دانلودمون کمه، یه قسمت پنجاه دقیقه‌ای سریال یه ده‌دقیقه‌ای می‌شه.
۲و۳. محدودیت حجمی که نداریم، محدودیت دسترسی هم من چیزی تجربه نکردم تا به‌حال.
۴. اکانت داریم، ولی یه گست هم داریم، همه می‌تونن استفاده کنن. فقط یه ایمیل می‌خواد وارد کنی وقتی به‌عنوان گست باشی که اونم من ایمیل الکی هم امتحان کردم مشکلی نبوده، کار می‌کرده.
۵. ما یه کم از ساختمون دور بشیم، نت نمی‌گیره دیگه.

احسان
دانشگاه واترلوی کانادا

۱. سرعتش خوبه واسه کار روزمره. ویدئوی یوتیوب راحت load می‌شه. اندازه نگرفتم ولی.
۲. نه.
۳. نداریم حداقل تو سایتایی که کار ما بشون میفته: دی.
۴. یک یوزر و پسورد داریم که جالبه تو یک شبکه دانشگاه‌های انتاریو کار می‌کنه. یه جور اکانت کلیه. مثلاً من رفتم دانشگاه کوینز که کلاً یه شهر دیگه است با یوزر پس واترلو وصل شد. ولی خب guest access هم داره.
۵. بیرون ساختمون‌ها احتمالش هست وصل نشه، ولی داخل ساختمون‌ها همه‌جا وصله.

آداب نقد

شماره شنبه گذشته روزنامه (۷۳۶) با موضوع اصلی تقابل دو دیدگاه طرفداران علم در برابر طرفداران کارآفرینی و فضای استارت‌آپی منتشر شد. برخلاف انتظار ما که فکر می‌کردیم این پرونده پر از متن و عاری از گرافیک، خواننده‌ای نخواهد داشت، شریفی‌ها خیلی خوب آن را خواندند و این موضوع نشان داد که مطالبی که حوزه اندیشه را هدف قرار می‌دهند، طرفداران گسترده‌ای دارند.
عصر شنبه یعنی روز انتشار پرونده، دکتر سپهری، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد متنی را در انتقاد مطلب چاپ‌شده برای روزنامه ارسال کردند که ضمن نقد پرونده، نگاه سومی را که در آن شماره مغفول مانده بود وارد بحث و به تکمیل پرونده کمک کردند. همچنین روز دوشنبه گذشته ایمیلی دیگر به دست ما رسید که از موضوع به‌نحوی دیگر انتقاد و زاویه دید جدیدی را وارد گفت‌وگو کرد.
اگر از محتوای غنای دو بازخورد پرونده بگذریم، خواندن این دو نقد ساختارمند بسیار برای اصلاح فرهنگ نقد و مباحثه علمی آموزنده است.

درباره پرونده «علم یا استارت‌آپ؟»

ترجمه ناقص کارآفرینی

بازخورد

حسین مهری*

اواخر شب شنبه از در دانشگاه خارج می‌شدم که چشمم به تیتر روزنامه خورد: «علم یا استارت‌آپ؟». «هیچ‌کدام» از ذهنم گذشت. روزنامه را برداشتم و در بی‌آرتی ناقص مطالعه‌اش کردم. در منزل کامل خواندمش. پس از مطالعه پرونده مذکور احساس کردم دوگانه‌ای ترسیم شده مابین ساحت قدسی علم و پژوهش و ساحت عرفی استارت‌آپ و کارآفرینی. بحث این است که دانشگاه چه مقدار به گسترش علم پایبند بماند و چه مقدار به دنبال حل مشکلات اقتصادی کشور برود. در اینجا به این دوگانه نمی‌پردازم، بلکه نقطه بحث من بر این است که آیا فضای استارت‌آپی و کارآفرینی به دنبال حل مشکلات اقتصادی کشور است؟ آیا گسترش این فضا به‌صورت کنونی به حل مشکلات می‌انجامد؟ آیا آن‌گونه که در این پرونده ادعا شده است «کارآفرینی برخاسته از دانشگاه، از مصادیق علم نافع است»؟
به نظر من پاسخ همه این سؤالات خیر است. در ادامه سعی می‌شود این پاسخ توجیه شود.
دانشگاه ایرانی از ابتدا تاکنون در انجام مأموریتهای خود موفق نبوده است. نه در تئوری و تولید علم و نه در عرصه عمل و حل مشکلات جامعه موفق نبوده است. مشکل اصلی در نظام آموزشی ما آموزش علوم مستقل از روش‌شناسی و به دور از مسئله محوری است. هیچ‌وقت به مسئله پرداخته نشده است و علم هم گمراه شده است. مسئله چیست؟ برای رشته‌های فنی، مشکلات صنعت کشور. تأکید سال‌های اخیر بر رابطه صنعت و دانشگاه در همین راستاست. اینکه رابطه صنعت و دانشگاه به‌خوبی محقق نشده است و درکل، نهاد علم چندان در جهت حل مسائل جامعه پیش نرفته است، مورد اتفاق همه است. بنابراین همه ما از عملکرد دانشگاه ناراضی هستیم و فکر می‌کنیم باید تغییراتی عمده اتفاق بیفتد. اما چه تغییراتی و راه حل چیست؟ به نظر من گسترش کارآفرینی و استارت‌آپ راه حلی انحرافی است.

عرصه‌های اصلی اقتصاد کشور به خارجی‌ها واگذار شده است

باید با مسئله مواجه شد و نباید از آن فرار کرد یا صورت‌مسئله را پاک کرد. اگر مشکل در صنعت یا تولید و اشتغال داریم، باید به دنبال راه حل بود. اما آیا فضای استارت‌آپی و کارآفرینی که چند سالی است در کشور رواج داده شده است، به حل این مسائل پرداخته است؟ آیا استارت‌آپ‌های ما اصلاً به حل مشکلات در صنعت نفت، برق، خودروسازی و... پرداخته‌اند یا به رساندن راحت‌تر کالا، غذا و میوه به مشتری در خانه‌ها یا جابه‌جایی مسافر و بار. نتیجه چه شده است؟ عرصه‌های اصلی اقتصاد کشور را به خارجی‌ها واگذار می‌کنیم و به‌سرعت در حال بستن قراردادهای خارجی در حوزه بهره‌برداری از میدان‌های نفتی، ایجاد نیروگاه برق، ساخت خودرو و... هستیم. از آن طرف استارت‌آپ‌های ما رونق دارند و به‌همت دانشجویان نخبه شریفی و امیرکبیری نان و غذا را به در خانه مردم می‌رسانند. ادعا می‌شود که این دانشجوی نخبه چون در این فضا از توانایی‌هایش استفاده شده است، امیدوار می‌شود و از کشور خارج نمی‌شود! دانشجوی ارشد مهندسی مکانیک وقتی در فرایند غذارسانی به در منزل مشارکت می‌کند، رضایت خاطر بیشتری از خود کسب می‌کند یا وقتی مثلاً در فرایند بهینه‌سازی موتور خودرو مؤثر است؟

با کارآفرینی یک‌شبه ره صدساله را برو

اما چرا این‌گونه شده است؟ چرا بخش عمده فضای استارت‌آپی و کارآفرینی، در حوزه خدمات و اینترنت متمرکز شده است؟ دغدغه به‌جای استاد محترمی که در پرونده با او به‌عنوان «طرفدار فضای کارآفرینی و استارت‌آپی» مصاحبه شده بود که «ای کاش ما در دانشگاه شریف در این سالها ۵ تا استارت‌آپ حاصل از ماهواره شریف و ۱۰۰ نفر داشتیم که توان صادرات ماهواره کوچک را به برخی از بازارهای هدف داشتند» در همین راستاست.
در این مورد جواب‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این جواب‌ها این است که شعار اول جذب در اکوسیستم که احتمالاً به گوش همه ما آشناست، این است: «تا کی می‌خواهی به کارمندی با وقت زیاد و درآمد کم ادامه بدهی؟ با کارآفرینی یک‌شبه ره صد ساله را برو و به درآمد بالا برس». خب در فضای فعلی اقتصادی کشور این محقق نمی‌شود، جز در فضای خدمات و بیشتر خدمات خاص اینترنتی که بسیاری از هزینه‌های تولید را ندارد و کنترل‌پذیری کمتر اجازه رشد تا سطحی را فراهم می‌کند و بعد از آن عدم وجود قوانین متناسب، امکان فرار مالیاتی را فراهم می‌کند.
از طرفی ادبیات کارآفرینی با قرائت خاص بر مراکز دولتی غلبه یافته است و حمایت‌های زیادی از این استارت‌آپ‌ها صورت می‌گیرد. درواقع در اقتصاد رانتی ما بسیاری از فعالیت‌ها به اسم تولید یا کارآفرینی، درواقع تبدیل شده‌اند به محملی برای برخورداری از رانت‌های دولتی و نفتی. در این شرایط و با آن شعار، طبیعتاً کسی به دنبال تولید صنعتی نمی‌رود؛ درحالی‌که بخش مهمی از اقتصاددانان معتقدند: «راه توسعه نمی‌گذرد مگر از تولید صنعتی مدرن». بنابراین تأکید صرف بر آن مسیر، مسیری انحرافی است.

> کارآفرینی مصطلح که ترجمه‌ای نادرست از Entrepreneurship است به‌معنی آفرینش کار نیست که با تقویت آن مشکل بیکاری حل شود. کارآفرین یک تکه از پازل تولید و توسعه است که باید در جای خود دیده شود. اگر بقیه اجزای پازل در جای خود نباشند، این تکه به درد نمی‌خورد

مشتری معمولاً خارجی‌ها هستند

در اکوسیستم یکی از راه‌حل‌های مهم تحقق شعار درآمد سریع، فروش استارت‌آپ در حال رشد به قیمت بالاست. متأسفانه در موارد متعدد، خریداران خارجی هستند. اکثر شرکت‌هایی که به‌عنوان نماد و الگو در این زمینه مطرح شده‌اند، سهامدار خارجی دارند و در عمل درصدی از سود حاصل از آن به خارج از کشور منتقل می‌شود. نکته کلیدی در اینجا نقش شرکت خارجی در رشد استارت‌آپ است که هیچ‌گاه به مخاطبان فضای کارآفرینی درمورد آن گفته نمی‌شود؛ بلکه این‌گونه وانمود می‌شود: «عده‌ای جوان از صفر شروع کرده‌اند و مثلاً امروز شده‌اند دیجی کالا یا اسنپ. ایده هم همان آمازون یا اوبر است. پس کار سختی نیست». درحالی‌که به پشت پرده این شرکت‌ها و حمایت‌های دریافتی آن‌ها اشاره‌ای نمی‌شود. اتفاق جالبی که در اینجا افتاده است، این است که شرکت‌های خارجی خدماتی، به‌علت محدودیت‌های قانونی سال‌ها قادر به ورود به بازار ایران نبودند؛ اما با این روش درواقع با دورزدن آن محدودیت‌ها با ظاهر کارآفرینی موفق به تسخیر بازار مصرفی و خدماتی ایران می‌شوند.
در پرونده روزنامه شریف آمده است: «بعید می‌دانم کسی در شرایط فعلی که با بحران بیکاری مواجه هستیم، به‌کلی با اصل کارآفرینی و استارت‌آپ مخالف باشد». در اینجا کارآفرینی به‌معنی مطلق گرفته شده است؛ اما کارآفرینی مصطلح که ترجمه‌ای نادرست از Entrepreneurship است به‌معنی آفرینش کار نیست که با تقویت آن مشکل بیکاری حل شود. کارآفرین یک تکه از پازل تولید و توسعه است که باید در جای خود دیده شود. اگر بقیه اجزای پازل در جای خود نباشند، این تکه به درد نمی‌خورد. کارآفرینی مفهومی خنثی نیست و تأکید بر عامل کارآفرین ویژگی مکتب اقتصاد اتریشی است. نباید این مفهوم را معادل جمع اجزای آن (کار+آفرین) گرفت. همین‌طور اثبات اینکه این دست از استارت‌آپ‌ها به کاهش بیکاری می‌انجامند، آسان نیست. درواقع بخشی سنتی خدمات مشخصی را ارائه می‌داده که بخش مدرن ارائه خدمات جایگزین آن می‌شود. مثلاً در مورد اسنپ حجم جابه‌جایی مسافر در شهر ثابت است. این حجم ثابت با فرض اشتغال بر واحد جابه‌جایی ثابت، اشتغال ثابتی را موجب می‌شود. حتی می‌توان نشان داد فناوری‌های مورد استفاده در این خدمات، در کنار خلق اشتغال جدید به نابودی اشتغال‌های دیگر می‌انجامد. مثلاً در مورد دیجی کالا اشتغال از تعداد بیشتر مغازه‌داران خرده‌پا درآمد متوسط، به تعداد کمتر موتورسوار توزیع‌کننده با درآمد کم منتقل می‌شود و سود اضافه به سهامداران شرکت می‌رسد.
در هر صورت تغییر از کسب‌وکارهای سنتی به مدرن اجتناب‌ناپذیر است. این تغییر باعث تسهیل در ارائه خدمات می‌شود؛ اما چگونگی طی فرایند تغییر مهم است. فرایند مبتنی‌بر کارآفرینی و استارت‌آپ کنونی دارای مشکلات متعددی از جمله انحراف استعدادها و سرمایه‌های انسانی، هزینه‌های تبلیغاتی (در قالب رویداد کارآفرینی و امثال آن) بسیار و رانت‌های گسترده اختصاص داده‌شده به این فضا و خروج سود ناشی از این فعالیت‌ها به‌واسطه سهامداران خارجی است.

*** فارغ‌التحصیل مهندسی برق شریف و دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی**

سخنرانی کامران وفا در یادبود شادروان مریم میرزاخانی

او چندبعدی بود

هزارقلم
مترجم: حامد زلفی

سیزدهم آگوست مراسمی در یادبود مرحوم پروفسور میرزاخانی در دانشگاه هاروارد برگزار شد و دکتر کامران وفا، عضو هیئت علمی علوم طبیعی دانشگاه هاروارد در وصف شخصیت او سخنرانی کرد. ترجمه این سخنرانی را برای شما آورده‌ایم.

به‌سختی می‌توان باور کرد مریم میرزاخانی که در عمر کوتاهش تأثیری جهانی داشت، حدود یک ماه است که از دنیا رفته است. درگذشت نابهنگام او نه‌تنها باعث اندوه دوستان و آشنایان و میلیون‌ها انسانی شد که دستاوردهای علمی او را تحسین می‌کردند، بلکه جهان ریاضیات نیز از کارهایی که او می‌توانست انجام دهد محروم شد.

غم و اندوه فقدان او در مراسم‌های بزرگداشتش منعکس است. به نظر من چنین مراسم یادبودی در هاروارد شایسته کسی است که نقش مؤثری در پیشرفت ریاضیات داشت. برای اولین‌بار نام مریم را از ریاضی‌دان ایرانی، پروفسور شهشهانی شنیدم که در سال ۱۹۹۹ از هاروارد بازدید می‌کرد. او در مورد وضعیت ریاضیات در ایران و اینکه تعدادی استعداد برجسته در آن ظاهر شده است، با من سخن گفت. شهشهانی به‌طور خاص به نام مریم اشاره کرد و گفت: «انتظار دارم او در آینده کاری عظیم انجام دهد». این در حالی بود که او فقط دانشجوی مقطع کارشناسی در ایران بود.

اعتقاد راسخ دکتر شهشهانی به توانایی‌های مریم به یادم ماند تا اینکه روزی همکار ریاضی‌دانم، جو هریس که در کمیته پذیرش دانشجو در دانشکده ریاضیات بود، با من تماس گرفت. او به من گفت مریم میرزاخانی برای گرفتن پذیرش در هاروارد اقدام کرده است. برمبنای آنچه پروفسور شهشهانی گفته بود قویاً توصیه کردم که برای هاروارد پذیرفته شود. قبل از اینکه مریم درسش را شروع کند، او را برای اولین‌بار در سمیناری در هاروارد دیدم. سمینار، در مورد تقارن آینه‌ای بود و من مسئول برگزاری آن بودم. از اینکه او در این سمینار شرکت می‌کرد، غافلگیر شدم. چون این مبحث موضوعی خاص است که در آن ریاضی و فیزیک تلاقی دارند. وقتی که درسش را آغاز کرد، گهگاهی او را در محوطه دانشگاه و در جمع‌های دانشجویان ایرانی می‌دیدم.

او کار درجه اولی را وقتی که دانشجو بود، انجام داد. اثبات حدس ویتن که مربوط به نظریه ریسمان می‌شد، توجه من را جلب کرد. ما با یکدیگر در مورد تکنیک‌های او بحث کردیم که می‌توانست برای اثبات حدس‌هایی مشابه در نظریه ریسمان کمک کند. آنچه از این گفت‌وگو به یاد دارم، این است که او در بیان کار درخشانش بسیار متواضع بود. او به‌گونه‌ای صحبت می‌کرد که آنچه انجام داده، کار ساده‌ای بوده است.

همه چیز ریاضی نبود

با اینکه میرزاخانی افتخارات فراوانی را در دانشکده ریاضیات هاروارد به‌عنوان ریاضیدانی درخشان کسب کرد، علاقه‌مندی‌های دیگری نیز داشت. کمک به دانشجویان معلول برای رفتن به کلاس و پشتیبانی از آن‌ها، از جمله اقدامات داوطلبانه‌ای است که از او به یاد دارم. یک روز دیدم دانشجویی نابینا را به‌آرامی به کلاسش هدایت کرد و سپس با سرعت و عجله به کلاس خود رفت. به‌ندرت می‌توان انسانی را یافت که عملکردش در تمام جنبه‌های زندگی این چنین ایدئال باشد. کارهای زیبایش در ریاضیات میراثی است جاودان و حقایق ریاضی برای همیشه خواهند ماند.

دستاوردهای او فراتر از ریاضیات نیز تأثیرگذار بوده است و شاید در مرحله دوم در جهان ریاضی اثر گذاشته است. سه سال پیش درست در چنین روزی مدال فیلدز که ارزشمندترین نشان در ریاضیات است، به او اعطا شد. میرزاخانی به‌خاطر شخصیت باحیایش، حتی والدینش را از این موضوع باخبر نساخت و آن‌ها از طریق رسانه‌ها از این موضوع باخبر شدند. او به آن‌ها گفته بود که کار بزرگی انجام نشده است!

اینکه مریم مدال فیلدز برد، دستاوردی منحصربه‌فرد است، نه‌فقط برای اینکه او اولین زنی بود که به آن دست‌یافت، بلکه از آن جهت که او ایرانی است و این تصور که زنان ایرانی تحصیل نمی‌کنند، درهم‌شکسته شد.

علاقه ما به ریاضی چیز جدیدی نیست

مریم با حمایت کادر مدرسه‌اش در المپیادهای بین‌المللی ریاضیات شرکت کرد و دو مدال طلا برنده شد که در یکی از آن‌ها نمره کامل دریافت کرد. او تحصیلاتش را تا مقطع کارشناسی در دانشکده ریاضی دانشگاه صنعتی شریف قبل از آمدن به هاروارد دنبال کرد.

به‌عنوان دانشمند و ریاضی‌دان ترجیحاً نباید درگیر مسائل سیاسی روز شویم؛ اما به‌سختی می‌توان در مورد نتایج ممنوعیت ورود ذهن‌های درخشانی مانند مریم به این کشور و محدودکردن توانایی آن‌ها برای کمک به جهان ریاضیات، براساس مبنای غلط تعصب و دشمنی علیه گروهی از مردم نیندیشید. چه تعدادی از دانشمندان و ریاضی‌دانان از این مرکز علمی محروم می‌شوند اگر این سیاست بیمار ادامه پیدا کند؟

علاقه‌مندی به ریاضیات برای ایرانیان جدید نیست. درواقع ریاضی‌دانان برجسته فراوانی در زمان‌های قدیم در ایران ظهور پیدا کرده‌اند. خوارزمی که همکاری او در ریاضیات تا امروز نیز با کلمه جبر که از نام کتابش برگرفته‌شده است به چشم می‌خورد و خیام که برای حل هندسی معادلات درجه سه مشهور است، دو نمونه برجسته هستند.

با این حال در زمان‌های اخیر به علل گوناگون این سنت تا آن سطح ادامه پیدا نکرده است. مریم و هم‌نسلی‌های ریاضی‌دان او در ایران نشان می‌دهند که بار دیگر محققان ایرانی می‌توانند در سطوح عالی علم سهیم باشند. من معتقدم فرصت‌دادن و فراهم کردن محیطی حمایت‌کننده، این امکان را به مردان و زنان در هرکجای جهان که باشند، می‌دهد که کارهای درجه یک انجام دهند. علم و دنبال کردن آن ماجراجویی بدون مرز و بدون محدودیت زمانی و مستقل از جنسیت است. احساس می‌کنم که یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه علم این است که با تمام همکارانمان در سراسر جهان با پیش‌زمینه‌های مختلف در تماس باشیم. در این صورت مستقل از اینکه این ایده‌ها از کجا ناشی می‌شوند، با ایده‌هایی درخشان مواجه می‌شویم و مریم نمونه‌ای خوب است.

فرهنگی شکوفا و گشوده به روی تمامی انسان‌های علاقه‌مند، به پیشرفت ریاضیات و علم منجر می‌شود. معتقدم استعداد و پشتکار او مهم‌ترین علت برای موفقیت او بود. او نشان داد که چطور باید روشمند ادامه داد و در مواجهه با سختی‌ها تسلیم نشد. عوامل دیگر در موفقیت او معلمان و استادانش در ایران و آمریکا بودند که نقشی کلیدی ایفا کردند. در ایران از جمله پروفسور تابش، پروفسور محمودیان و پروفسور شهشهانی و در هاروارد همکارانم در دانشکده ریاضی هستند و به‌طور خاص استاد راهنمای مقطع دکتری‌اش پروفسور مک مولن که نقشی اساسی در پیشرفت او به‌عنوان ریاضی‌دان داشت. نقش همکاران و حمایت دوستان نباید دست کم گرفته شود. نمونه برجسته آن، رؤیا بهشتی است که دوست همیشگی و همکار او از روزهای اول دبیرستان بوده و البته پشتیبانی خانواده‌اش نیز بسیار مهم بوده است.

شاید قراردادن کارهای او در آن چنان مرتبه متعالی‌ای که فقط بتوان آن‌ها را به‌عنوان میراثی دسترس‌ناپذیر تحسین کرد، اشتباهی بزرگ باشد و بعید می‌دانم که او چنین چیزی را خواسته باشد. به‌جای آن، معتقدم که او از ما خواسته است که دستاوردش را کاملاً در دسترس برای هرکسی، صرف‌نظر از جنسیت و مکانش در جهان ببینیم. کسانی که مشتاق‌اند، باید با کار سخت به این رتبه بالای علمی برسند.

ساختن پژوهشگاهی بین‌المللی برای ریاضیات و دانش‌های بنیادی در ایران می‌تواند روشی باشد تا به میراث او افتخار کنیم. او راه را باز کرد و اکنون بر ماست که آن را برای نسل‌هایی که می‌آیند، هموار کنیم. صرف‌نظر از آنچه برای بزرگداشت او انجام دادیم، کارهایش در ریاضیات برای همیشه می‌درخشد.

روحش شاد.

Instagram
emad_kr

هر چه می‌دانست آموخت مرا
غیر یک اصل که ناگفته نهاد
قدر استاد نکو دانستن
حیف استاد به من یاد نداد...
بسی شایسته است از اساتید فرهیخته و فرزانه‌ام [redacted]
[redacted] تشکر کنم، آن دو بزرگواری که روشنایی بخش تاریکی جهان هستی هستند و ظلمت اندیشه را نور بخشیده‌اند. چگونه سپاس گویم مهربانی و لطف آن‌ها را که سرشار از عشق‌اند. چگونه سپاس گویم تأثیر علم آموزی آن‌ها را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه محقر وجودم فروزان ساخته‌اند. آری در مقابل این همه عظمت و شکوه شما، مرا نه توان سپاس است و نه کلام وصف...
من هرچه آموختم در مکتب عشق شما آموختم و هرچه بکوشم قطره ای از دریای بی کران مهربانیتان را سپاس نتوانم گفت...

هشدار: تماشای این عکس برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع است!

توضیح: عکس مربوط به صفحه تشکر یک پایان‌نامه است.

روشنایی‌بخش تاریکی جهان هستی؟ به مرحوم مغفور توماس ادیسون می‌گفتن روشنایی‌بخش خانه‌ها خجالت می‌کشید، سرشو می‌نداخت پایین! جهان هستی آخه؟ آیا می‌دانستی که حتی خورشید و ستارگان هم روشنایی‌بخش جهان هستی نیستند؟ آیا تو مسلمون هستی و می‌دانستی الله نور السماوات والارض؟ مکتب عشق شما؟ شمس تبریزی استاد راهنمات بوده؟

واقعاً یه پایان‌نامه انقدر ارزش داشت؟ این حجم از [خودشیرینی] قابلیت ثبت در گینس داره :))

twitter
علی بصیرت

نادانسته‌های ما نقشی بس بزرگ‌تر از دانسته‌های ما دارند. شما توجه کنید اگر از اتفاق سهمناکی که براتون افتاده قبلش خبر داشتید، بازم اون قدر بدبود؟

twitter
میلدامْ

مامانم اومده می‌گه: «چرا فلان کارو کردی؟ چقدر کوتَه فکری آخه؟». خودش یکم فکر کرد گفت: «ناموساً از تو کتاب نخوندم».

Instagram
ali_reza_ebrahimi_

:1000qalam
:1000qalam.sharifdaily
:1000qalam.sharifdaily
:1000qalam.sharifdaily
:1000qalam.sharifdaily

روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

• مدیرمسئول: **محسن رستمی** • سردبیر: **محمدصالح انصاری**
• تحریریه: **رضا کاردررستمی، حسین رجبی، امین محمدی، محمدصالح سلطانی، مرتضی محمودی، عمادالدین کریمیان، ابوذر تمسکی، سحر بختیاری، محمد جوانمرد، صالح رستمی، نوید حسینی، محمد فلاحی، سید حسین علوی، هاتف محقق، محمدحسین هوایی، آرمان پورزین‌العابدین، حسین شاهرخی و اسماعیل قاسمی**
• مدیر فنی و هنری: **سامان موحدی** • سرویس عکس: **علی سینا اسلامی** • صفحه‌آرا: **سیدسبحان علی ثابت** • ناظر چاپ: **وحید ملک** • ویراستار: **مریم پورعسکری**
• مدیر اجرایی: **صابر حشمتیان** • مدیر داخلی: **سیمین آبادی**

یکشنبه	۱۹°
دوشنبه	۱۹°
سه‌شنبه	۱۹°

تلفن: ۶۶۱۶۶۰۰۶ • daily@sharif.ir
آدرس: دانشگاه صنعتی شریف، جنب معاونت پژوهش و فناوری، طبقه‌منفی یک

تقدیم می‌شود به ...

این شماره از روزنامه تقدیم می‌شود به کتاب. به مطالعه که اگر به سرانه آن در ایران نگاهی بیندازیم به رقم‌های عجیب و غریبی برمی‌خوریم. به کتاب‌هایی که روی کمدهایمان خودنمایی می‌کنند، در حالی که سالتاسال ورقی نمی‌خورند. به بخش کتاب‌های غیردرسی کتابخانه مرکزی که کتاب‌های بسیاری دارد، در حالی که خاک می‌خورد. به تجربه چندین و چندساله آدم‌ها که تو با خواندن نوشته‌هایشان به یک‌باره به آن دسترسی پیدا می‌کنی. به «اقرا باسم ربک الذی خلق» که به عالم‌ترین انسان روی زمین در اولین آیه تنزیلی می‌گوید بخوان. در آخر تقدیم می‌شود به روز ملی کتاب و کتاب‌خوانی.

دکتری یا مهندسی؟

محمدحسین قاسمی

این هفته ایمیل‌هایمان را باز کردیم و دیدیم ایمیلی از طرف دانشگاه و آقای محسنی برایمان آمده است. گفتیم باز لابد یا درمورد افزایش هزینه‌های سنوات است، یا کم کردن ترم‌های مجاز دانشجویان کارشناسی و ارشد. ولی این نبود. ایمیلی از طرف دکتر نایبی بود درمورد اپلای کردن برای دکتری در دانشگاه‌های خارجی. ما هم که چمدان‌هایمان را داشتیم می‌بستیم که برویم، با خواندن این ایمیل بلافاصله چمدان‌ها را نبستیم و ویزاهایمان را پس فرستادیم.

بخشی از بندهای این نامه را بررسی می‌کنیم تا ببینیم دنیا دست کیست.

در متن آمده: «دکتری خواندن به‌خصوص برای زنان مهلک و بیمارکننده است». ضمن اعلام موافقت کامل با این جمله معتقدیم کلاً درس خواندن مهلک و بیمارکننده است. نویسنده متن (اون متن نه، این متن!) بارها در حین خواندن کتاب‌ها و جزوه‌های دوران تحصیلش، علاوه‌بر خواب‌آلودگی دچار انواع بیماری‌های روحی و جسمی نیز می‌شد و تا وقتی خواندن را رها نمی‌کرد، شفا پیدا نمی‌کرد. این موضوع به‌خصوص برای زنان خیلی شدیدتر است و برای سلامتی خودشان بهتر است هرچه سریع‌تر از دکتری خواندن انصراف دهند.

در بخشی دیگر آمده: «خروجی دوره دکتری یک تز و چند مقاله در ژورنال‌های علمی مهندسی است. مقالاتی که در طی چندین سال شاید یکی ده بار بیشتر خوانده نشوند و هیچ بعید نیست که تعداد خوانندگانی که مقاله شما را از ابتدا تا انتها یک‌بار می‌خوانند، کمتر از انگشتان یک دست باشد». سردبیر روزنامه ضمن موافقت شدید با این بند به شما خوانندگان عزیز توصیه می‌کند بیایید در همین دفتر روزنامه مشغول به کار شوید و اینجا مقاله بنویسید. مقالات شما در طول یک هفته بیشتر از هزاران بار خوانده می‌شود که بسیار بیشتر از انگشتان یک دست و حتی در حد پاهای یک هزارپاست.

در آخر متن هم می‌خوانیم: «با این وجود هرساله برای موقعیت‌های دکتری در خارج از ایران، هزاران‌هزار درخواست فرستاده می‌شود. بسیاری از استادان دانشگاه‌های غرب از خیل نامه‌های ارسالی از سوی ایرانیان و فرم‌های پرشده برای یک موقعیت تحصیلی دکتری توسط آن‌ها گلایه دارند و آن را به تمسخر و مضحکه در جمع‌های خودمانی‌شان مطرح می‌کنند». خوشحالیم که به لطف نامه دکتر نایبی با یکی از تفریحات استادان دانشگاه‌های غرب آشنا شدیم. تا الان فکر می‌کردیم فقط استادان ما هستند که دانشگاه امکانات تفریحی برایشان فراهم کرده و می‌توانند از آن لذت ببرند.

عکس و مکث

وقتی می‌خوای با کمترین مصرف انرژی توسط خودت، گوشی خورشیدیت رو در یک محیط معنوی شارژ و استفاده کنی این اتفاق می‌افته.

استاد شریف ما

نشریه شریف ما در گزارشی در یک بند نوشته بود: «نکته‌ای که در همین ابتدای کار جلب‌توجه می‌کرد، مسلط‌بودن استاد به مکالمه و لحن شیوا، رسا و دل‌نشین ایشان بود که توجه خاصه‌ی تمام دانشجویان را نیز به همراه داشت. البته که از تسلط زبانی ایشان بر ضرب‌المثل‌ها و قواعد رفتاری اجتماعی نمی‌توان چشم‌پوشی کرد». همین!

استاد شریف ما جلسه اول کلاس، کفش‌هایش را لنگه‌به‌لنگه پوشیده بود. جلسه بعد که آمد سرکلاس گفت: «من عمداً لنگه‌به‌لنگه پوشیده بودم ببینم حواستون هست یا نه».

دانشجوی شریف ما شب دفاع ارشدش داشت گوگل ترنسلیت را اصلاح می‌کرد.

استاد شریف ما به فشار می‌گفت «پرسچر» و به دما می‌گفت «تمپرسچر». وسط اعداد هم آلت و شیفت می‌گرفت و آن‌ها را قاطی می‌گفت. مثلاً یک‌بار گفت «پرسچر این مخزن هست تو (۲) پوینت هفت»!

دانشجوی شریف ما در راستای تحقیقات گسترده‌اش اخیراً کشف کرده است پلاتینی که در بدن می‌گذارند از جنس پلاتین نیست و این مهم را به همه دوستانش در پیام‌هایی جداگانه اطلاع داد.

دانشجوی شریف ما برای زمینه‌سازی ارتباط مؤثر با یکی از دخترها، خواست از او جزوه بگیرد؛ اما متاسفانه دانشجوی دختر، درلحظه عکس جزوه را برایش فرستاد و وی در نطفه خفه شد. خیلی بد شد.

واژ و ژاژ

عمادالدین کریمیان

دقت: precision. حالتی که مردان موقع تماشای چیزها اعم از فوتبال و به‌خصوص غیره به خود می‌گیرند. باریک‌شدن. یونانیان باستان برخلاف سایر موارد برای دقت دو الهه به نام‌های طارمیوس و برهانیوس داشتند؛ یافته‌های باستان‌شناسان درباره علت این دوگانگی نشان می‌دهد: «حتماً خیریتی توش بوده». ژرف‌اندیشی. نوعی از عرفان که باعث می‌شود g را در آز فیزیک ۴۳/۱۲۱ گزارش کنی. حالتی که خدا موقع آفریدن تو داشت! متضاد آن بی‌دقت است و برخلاف گفته رایج و غلط مصطلح که بی‌دقت عاشق‌شدن را مهم‌ترین بی‌دقتی می‌نامد، مهم‌ترین کارهای بی‌دقت، بی‌دقت وعده‌دادن، بی‌دقت وزیر انتخاب کردن، بی‌دقت حکومت کردن و بی‌دقت جنگ‌درست کردن و آدم‌ها را به جان‌هم‌انداختن است؛ یا به قولی دیگر «مجنون برای دنیا بی‌ضررتر است تا جانی». صفت آن دقیق است و دقیق‌ترین پدیده‌های کشف‌شده تاکنون، آمارهای تولیدشده توسط مسئولان، کتاب‌های تاریخ مدرسه و کیفیت اجرای فصل سوم قانون اساسی هستند.

در تذکره الامید یا آمده است: «روزی مریدانِ پف‌ترم در محضر شیخ منصور بن غلام آل واحد و عشرونِ که جدیداً به شیخی نائل آمده بود، رسیدند و او را پندی دقیق طلب کردند. گفت: «معمولاً در این دوران چند باری عاشق می‌شوید.» مریدان گفتند: «خب؟» گفت: «پس بی‌دقت عاشق نشوید.» دوباره گفتند: «خب؟» گفت: «من ماکارونی خوب می‌پختم.» دگر بار گفتند: «خب؟» گفت: «اما املت را ویژه درست می‌کردم.». باز گفتند: «خب؟» گفت: «وزارت علوم، وزارت اصلی در مجموعه علمی کشور است.» مریدان باز همان گفتند و جواد خیابانی از دور گفت: «احسنت!» چندان او گفت و چندان مریدان تکرار کردند و درنهایت از این حجم دقت، دق کردند».

اس ام اس

شماره‌های روزنامه ۱۰۰۰۶۶۱۶۶۰۰۶ و ۰۲۱۶۶۱۶۶۰۰۶

۰۹۳۷...۴۵۵: ما نسبت به سردبیر اعتراض داریم. مطالب روزنامه باب دل ما نیست!

روزنامه: خدایا هیچ روزنامه‌ای را بدون پیامک قرار مده... گر تو بهتر می‌زنی، بستان بزن عزیز من!

۰۹۱۲...۳۸۹: «هوافضا اصلش بر پایه دروغه، اصن مگه توفضا هوا هست؟» سخنان مَندی.

روزنامه: اینا واسه دانشکده‌شون یه ساختمون هوا کردن که تا فضا می‌ره. اسمش از اینجا اومده.

۰۹۳۷...۵۷۷: یه خبر توی کانال روزنامه بود که از یه خانمی زورگیری کردن و فشارش افتاده و بعد درمانگاه هم به‌خاطر اینکه پزشک مرد بوده معاینش نکرده! سنگ‌ها را بسته و سگ‌ها را گشاده‌اند.

روزنامه: آقا من بیام به معلم ادبیاتتون کتباً تعهد بدم که شما درست رو خوندی، بی‌خیال پنل پیامک ما می‌شی؟